

آیات فقه پزشکی (کتاب)

نویسنده خلاصه: مهدی محمدی
نویسنده کتاب: محمدعلی قاسمی
چکیده

آیات فقه پزشکی پژوهشی از محمدعلی قاسمی است که آیات مربوط به ۲۰ موضوع پزشکی را جمع‌آوری کرده و دلالت آن آیات را بر موضوعات پزشکی مورد بررسی قرار داده است. به عنوان مثال، نویسنده از آیات نفی عسر و حرج، امکان سقط جنین قبل از دمیده شدن روح را برداشت کرده است در صورتی که باعث ایجاد حرج برای مادر شود. همچنین از آیات اضطرار برای جواز پیوند از انسان مرگ مغزی شده به دیگران استفاده کرده است. نویسنده از آیات نهی از قتل نفس، حرمت خودکشی و اتانازی را برداشت کرده است. نگارنده همچنین با استناد به آیات شفاء، سلطه انسان بر نفس خود را استنباط کرده که در نتیجه آن به جواز پیوند اعضا رسیده است.

معرفی اجمالی و ساختار

پژوهش حاضر با عنوان «آیات فقه پزشکی» حاصل پژوهش محمدعلی قاسمی است که در سال ۱۳۹۹ ش و به زبان فارسی، توسط انتشارات مرکز فقهی ائمه اطهار (ع) به چاپ رسیده است. نویسنده، قرآن را به دلیل اینکه تحریف‌ناپذیر است یکی از منابع مهم کشف احکام شریعت محسوب می‌کند. به باور او آیات متعددی از قرآن با احکام پزشکی ارتباط پیدا می‌کنند؛ به همین دلیل در این کتاب با رویکرد اجتهادی و با استناد به دیدگاه مفسران به کشف احکام پزشکی از آیات قرآن پرداخته شده است. نویسنده در این کتاب ابتدا با مشخص کردن موضوع آیات، به درج آیه، ترجمه و شان نزول آن می‌پردازد و پس از آن تفسیر آیه و در نهایت کاربرد و استدلال به آیه در فقه پزشکی را بیان می‌کند.

ساختار

کتاب آیات فقه پزشکی در بیست فصل این آیات را استخراج کرده است. عناوین فصل‌های به شرح ذیل است: آیه اعتدا (ص ۳۱-۴۸)؛ آیه نفی سبیل (ص ۴۹-۶۲)؛ آیات نفی حرج (ص ۶۳-۷۴)؛ آیات ضرر و اضرار (ص ۷۵-۱۰۰)؛ آیات اضطرار (ص ۱۰۱-۱۲۲)؛ آیات شفاء (ص ۱۲۳-۱۳۰)؛ آیه مالکیت (ص ۱۳۱-۱۳۶)؛ آیه اعانت (ص ۱۳۷-۱۴۴)؛ آیه اهلاک نسل (ص ۱۴۵-۱۴۸)؛ آیه تهلکه (ص ۱۴۹-۱۵۶)؛ آیات تغییر خلق الله (ص ۱۵۷-۱۷۴)؛ آیات نهی از قتل نفس (ص ۱۷۵-۲۰۲)؛ آیه تحریم میته و خون (ص ۲۰۳-۲۱۴)؛ آیات زوجیت (ص ۲۱۵-۲۲۴)؛ آیات حفظ فرج (ص ۲۲۵-۲۵۶)؛ آیات بکارت (ص ۲۵۷-۲۶۴)؛ آیات کتمان سر (ص ۲۶۵-۳۰۰)؛ آیات نَسَب (ص ۳۰۱-۳۲۸)؛ آیات جنین‌شناسی (ص ۳۲۹-۳۵۶)؛ آیات مرتبط به «خشی» (ص ۳۶۴-۳۵۷).

آیه اعتدا

به باور نویسنده، از آیه اعتدا استفاده می‌شود که برخورداری از حق قصاص یکی از احکام ثابت شده اسلام است و اگر شخص جانی بدون حق، عضو کسی را قطع نماید، مجنی‌علیه حق دارد، او را قصاص کند؛ مثلاً اگر گوش او را بریده است، او نیز گوش آن فرد را ببرد (ص ۴۴-۴۵)؛ اما مطلب مهم این است که ادله ثبوت حق قصاص، آیا می‌تواند ممانعت کند، از اینکه جانی عضو قطع شده را پیوند بزند و عضو را به حالت اولیه برگرداند؟ نویسنده استناد به

ادله قصاص از جمله آیه اعتداء چنین پاسخ می‌دهد که اگر جانی سبب از بین رفتن عضو برای همیشه شده است، در این صورت حق پیوند زدن عضو قطع شده را ندارد (ص ۴۶).

آیه نفی سبیل

آیه نفی سبیل به باور نویسندگان، بیانگر یک قانون و قاعده کلی است؛ بدین معنا که هر گاه شخصی، مانند پزشک و کادر درمانی به انگیزه خدمت و احسان، باعث ضرر دیدن شخص دیگری مثل بیمار گردد، در این حالت بازخواست نمی‌شود و بازخواست هم‌چنانکه می‌تواند، ناظر به حکم تکلیفی باشد، می‌تواند ناظر به حکم وضعی و ضمان و مسئولیت نداشتن او را می‌رساند (ص ۵۷-۵۸). بر اساس دلالت این آیه اگر پزشک هیچ‌گونه قصد منفعت نداشته باشد و تنها به نیت احسان و نیکی در اقدامات درمانی اورژانسی، به پاره کردن لباس بیمار اقدام کند، یا دستبند طلائی وی را بشکند، هیچ‌گونه ضمانی متوجه او نخواهد بود (ص ۶۰).

آیات نفی عسر و حرج

نگارنده بیان می‌کند، در بحث سقط جنین، امام خمینی از آیات نفی عسر و حرج استفاده کرده و می‌گوید «اگر تشخیص بیماری در جنین قطعی است و نگاهداشتن چنین فرزندی موجب حرج باشد، در این صورت جایز است، قبل از دمیده شدن روح، جنین را اسقاط کنند؛ ولی بنابر احتیاط، دیه آن باید پرداخت شود» (ص ۶۹). همچنین فقها در زمینه مراجعه به پزشک از جنس مخالف نیز ملاک را عسر و حرج قرار داده و می‌گویند، اگر پیدا کردن پزشک هم‌جنس در حد مشقت و عسر و حرج باشد، مراجعه به پزشک غیر هم‌جنس اشکال ندارد. نیز گفته‌اند: استفاده کردن از داروی نجس حرام است؛ اما در صورتی که استفاده نکردن از آن، سبب شدت بیماری و موجب عسر و حرج گردد، شارع حرمت آن را برداشته است (ص ۷۱-۷۲).

آیات اضرار

آیات متعددی وجود دارد که اضرار را ممنوع کرده است. بر همین اساس هرگاه پزشک، کادر درمان یا بیمارستان به بهانه‌های واهی، مانند نپرداختن پیش‌پرداخت، از پذیرش و درمان بیمار خودداری نماید و بر اثر آن بیمار بمیرد، یا ضرری متوجه او شود؛ هر یک از آنان مرتکب قصور و گناه شده‌اند و اگر این عمل مستند به آنان باشد، شرعاً ضامن خواهند بود (ص ۹۶). فقها در مورد عمل جراحی زیبایی نیز به این نکته تاکید دارند که اگر قصوری از ناحیه پزشک و کادر درمان، متوجه بیمار گردد که او را متضرر نماید، در این صورت پزشک، کادر درمان و یا هر کسی که در این زمینه دخیل بوده است، ضامن خواهد بود (ص ۹۸).

آیات اضطرار

به گزارش نویسندگان آیات اضطرار مستند قاعده اضطرار شمرده شده است، با توجه به این آیات در شرایط اضطرار، ارتکاب حرام جایز تلقی می‌شود. چنانچه فقها در تشریح بدن مسلمان معتقدند که اگر تشریح بدن غیرمسلمان ممکن نباشد و حفظ جان فردی از مسلمانان، متوقف بر تشریح میت مسلمان باشد، در این حالت تشریح جایز است (۱۰۹ و ۱۱۳). به گفته او، با تأمل در نظر فقهای که درباره پیوند اعضای برداشته شده از افراد دچار مرگ مغزی اظهار نظر کرده‌اند، روشن می‌شود که ایشان مجوز برداشت اعضای پیوندی از شخص را در فرض حالت اضطرار، مانند توقف حفظ و نجات جان مسلمان جایز دانسته‌اند.

همچنین فقها در صورت اضطرار به تغییر جنسیت، به استناد رفع اختلالات جنسی و ناراحتی‌های روانی و در نتیجه بروز افسردگی که موجب اضطرار می‌شود، قائل به جواز مبادرت به تغییر جنسیت شده‌اند (ص ۱۱۹-۱۲۰).

آیات شراء

یکی از مباحث مهم در فقه پزشکی، مبحث سلطه انسان بر نفس و اعضای خویش است. از آیه شراء و مانند آن، نوعی سلطه تکوینی و تشریعی انسان بر نفس خود برداشت می‌شود؛ چنانکه انسان زمانی می‌تواند، به داد و ستد پردازد و سود و زیان کند که سلطه و اختیاری بر مبیع خود داشته باشد. در این نوع آیات انسان شرعا دارای اختیار و سلطنت بر نفس خویش انگاشته شده، تا بتواند آن را به بهایی، همچون بهشت برین معامله کند، یا اینکه در این معامله، زیانکار گردد و آن را به ثمن بخش بفروشد. از این رو برخی از اندیشمندان اسلامی با استناد بر همین آیات عقیده دارند که انسان مالک خویش است و با اذن الهی که مالک حقیقی است، در آن تصرف می‌کند (ص ۱۲۰).

آیات مالکیت

به عقیده مولف، در استدلال به آیه مالکیت برخی از فقها، مانند محمد مومن معتقدند که اگرچه این آیه در مقام بیان مقدم بودن پیامبر در ولایت بر مومنان بر خودشان است؛ اما شکی نیست که آیه دلالت می‌کند که مومنان بر خویش ولایت دارند، جز اینکه ولایت پیامبر شدیدتر و مورد تاکید بیشتر است؛ بنابراین مفهوم آیه این است که این ولایتی که مومنان بر خویش دارند، همان ولایتی است که عقلا برای هر شخصی قائل هستند. بعلاوه از رهگذر دلالت التزامی نیز آیه ولایت شرعی مردم بر خودشان را به طور اجمال به اثبات می‌رساند. به این ترتیب مومنان نسبت به جان و مال خود ولایت دارند و می‌توانند نسبت به اعضای خود دخل و تصرفاتی داشته باشند (ص ۱۳۴-۱۳۵).

آیه اعانت بر اثم

مراد از اعانت بر اثم، یاری کردن بر گناه است، یعنی گناهی که از مباشر صادر می‌شود به کمک و معاونت کسی یا چیزی انجام شود که با ایجاد یک سری مقدمات آن فعل حرام صورت گرفته شده باشد. فقها برای صدق اعانت یا معاونت، نظریه‌های متعددی دارند؛ گروهی صرف علم و اطلاع معاون از قصد مباشر را کافی می‌دانند و گروهی دیگر افزون بر علم و اطلاع معاون، قصد مجرمانه و سوءنیت مُعین را نیز لازم و ضروری می‌دانند (ص ۱۲۷-۱۲۸). فقیهان برای توجیه نظر خود به عموم آیه ولا تعاونوا علی الاثم والعدوان استناد می‌کنند؛ بر اساس این دیدگاه اگر پزشک از هدف مراجعه کننده آگاهی داشته باشد که وی قصد تدلیس دارد، در این صورت او نمی‌تواند، مثلا پرده بکارت زن را که مراجعه کرده است، جراحی و ترمیم نماید؛ زیرا با صرف دانستن، اعانت بر اثم صدق می‌کند (ص ۱۲۸-۱۲۹).

آیه تهلکه

به گفته نویسنده، معنای آیه تهلکه این است که خویش را در معرض هلاکت قرار ندهید. آیت‌الله مکارم در تبیین حرمت سیگار به این آیه استدلال نموده و می‌گوید، مصرف سیگار مصداق بارز القای نفس در تهلکه است. بعلاوه از این آیه، افزون بر استفاده حرمت خودکشی یا انجام هر کاری که سبب هلاکت می‌شود، می‌توان استفاده نمود که نهی یاد

شده، اهلاك اعضاى رئيسه بدن را نيز شامل است؛ با اين وجود نمى‌توان اعضاى اصلى بدن را براى پيوند به افراد ديگرى اهدا نمود (ص ۱۵۱-۱۵۴). بر پايه همين استدلال عمليات عقيم‌سازى و جلوگيرى دائمى از باردارى نيز به منزله القاي نفس در تهلكه تلقى شده و در نتيجه جواز آن صحيح نخواهد بود؛ مگر در حالت ضرورت كه حكم آن ثانويه است (ص ۱۵۵).

آيات تغيير خلق الله

نگارنده مقصود از «تغيير خلق الله» را تغيير يا هر فعلى مى‌داند كه تشويه نامناسب با فطرت را در جسم درپى داشته باشد؛ از اين رو براى اثبات حرمت شبیه‌سازى به آيه تغيير خلق الله استناد شده است، بدین بیان كه شبیه‌سازى انسان موجب پيدايش نسخه‌هاى از جسم انسان مى‌شود و اين كار به موجب اصل اولى در شريعت اسلامى ممنوع و حرام است (ص ۱۷۲). همچنين گفته شده است كه شبیه‌سازى از آن‌گونه تصرفاتى است كه خداوند به آن رضايست ندارد، بلكه مى‌توان گفت كه شبیه‌سازى تغيير در خلقت و دست‌بردن در آفرينش الهى محسوب مى‌شود كه شيطان به آن امر كرده است كه با آفرينش الهى تعارض كامل دارد (ص ۱۷۲).

آيات نهى از قتل نفس

پژوهشگر مى‌گويد، از مجموع آيات نهى از قتل نفس چنين استفاده مى‌شود كه انسان تا آنجا بر بدن خود توانايى و حق تصرف دارد كه به مرز عناوينى، همچون قتل نفس يا انتحار و تهلكه نرسد، زيرا اين‌گونه عناوين مقيدات و شروطى براى سلطه انسان بر نفس خويش به شمار مى‌آيند (ص ۱۷۸). بى‌گمان اتانازى كه به حيات يك انسان پايان مى‌دهد، به هر دليلى كه صورت گيرد، اعم از اينكه شخص دچار درد شديدى باشد و يا اينكه خود شخص رضايست به اين عمل داشته باشد، حرام است و عمومات و اطلاقات آيات حرمت قتل نفس شامل اين مورد نيز مى‌شود. چنانچه آيت‌الله فاضل در اين باره عنوان مى‌كند: «كشتن بيمارى كه مبتلا به مرض غيرقابل علاج شده است و از درد رنج مى‌برد، چه با موافقت بيمار يا بستگانش يا بدون اطلاع و موافقت آنان، قتل نفس محسوب مى‌شود و حرام است و تمام احكام قتل عمد در اين مورد جارى خواهد بود (ص ۱۷۸ و ۱۹۸).

آيات تحريم ميته و خون

برخى به اين دسته از آيات استدلال كرده‌اند كه مطابق ظاهر آيات هرگونه بهره‌گيرى و خريد و فروش و به‌دست آوردن درآمد با خون حرام است؛ اما در مقابل گروهى ديگر از فقها، مانند امام خمينى معتقدند كه خريد و فروش خون براى نجات جان بيمار جايز است، چون ظاهرتر جواز استفاده و بهره‌ورى از خون و خريد و فروش آن در غير خوردن است و دلالتى بر حرمت مطلق استفاده از خون وجود ندارد. بعلاوه امروزه استفاده‌هاى از خون ابعاد جديدى پيدا كرده است كه بهره‌ورى از آن را محدود به خوردن نمى‌كند (ص ۲۱۲ و ۲۱۳). البته خريد و فروش ميته و اجزاي آن جايز نيست و استعمال آن محل اشكال است؛ البته در مورد خريد و فروش اعضاى بدن، مانند كلييه و امثال آن احتياط اين است كه اگر پولى مى‌خواهند بگيرند، در مقابل اجازه برداشتن عضو از بدن شخص دهنده باشد، نه در مقابل خود عضو و اصل اين كار در صورتى جايز است كه براى دهنده عضو خطرى در ميان نباشد (ص ۲۱۳ و ۲۱۴).

آيات زوجيت

با استناد به این پژوهش، بعضی از متفکران اسلامی با توجه به آیه زوجیت به این نتیجه رسیده‌اند که عقد ازدواج و سنت زوجیت یکی از جلوه‌های عالم تشریع است و همواره باید مورد توجه قرار گیرد و هیچ‌گاه نباید مخدوش گردد؛ اما از آنجا که شبیه‌سازی انسان، این سنت را مخدوش و نابود می‌سازد، ممنوع خواهد بود (ص ۲۲۲). همچنین گفته شده است که شبیه‌سازی که ناقض قانون زوجیت و بر اساس بی‌نیازی از جنس دیگر و اکتفا به یک جنس استوار است، این عمل ضد فطرت است که خداوند مردم را بر آن سرشته است و به هیچ‌وجه به مصلحت انسان نیست؛ چون انسان فطرتاً نیازمند جنس دیگر است؛ نه تنها برای تولید مثل، بلکه تا هر یک خود را به وسیله دیگری کامل سازد (ص ۲۲۳).

آیات حفظ فرج

مطابق این گروه از آیات، برخی هر عملی که با حفظ فرج ناسازگار باشد را تعدی و تجاوز از میزان شرعی به شمار می‌آورند، مگر این‌که از راه حلال و مورد تایید شارع، مانند ازدواج باشد. به باور آنها اگر تخمک یا منی بارور شده متعلق به یک مرد بیگانه را به رحم زن اجنبیه‌ای که همسر او نیست، منتقل کنند، چه به صورت مستقیم و چه به وسیله ابزار پزشکی و یا چه با رضایت شخص و یا بدون رضایت او باشد، چنین عملی ممنوع و حرام است و عامل این کار نیز گناهکار محسوب می‌شود. همچنین اجاره رحم و تزریق تخمک زنی به زن دیگر از جمله محرمات تلقی می‌گردد (ص ۲۲۸ و ۲۵۱).

آیات بکارت

به زعم نگارنده، آیاتی در قرآن وجود دارد که در مباحث گوناگون «تدلیس در بکارت، ترمیم بکارت، ملاک شرعی و پزشکی بکارت، چگونگی ازاله بکارت، شرط بکارت در عقد ازدواج و فسخ نکاح به دلیل نداشتن بکارت همسر» به کار می‌رود؛ البته مناقشات علمی در این موارد وجود دارد (ص ۲۶۱). یکی از کسانی که به این مباحث با استدلالی نسبتاً کامل پرداخته، آیه‌الله خویی است، ایشان در این زمینه آورده‌اند «آنچه از لغت ظاهر می‌شود و عرف نیز آن را مساعدت کرده، این است که بکر به معنای غیرمخدوله است؛ بنابراین دختری که عمل زناشویی حلال یا حرام را مرتکب شده، از بکر بودن خارج شده است؛ اما اگر عمل زناشویی نداشته و دخول صورت نگرفته، باکره است، اگرچه پرده بکارت وی به دلیل و علت دیگری از بین رفته باشد (ص ۲۶۱).

آیات رازداری و امانت‌داری

به گفته نویسنده، آیه ۳ سوره تحریم اگرچه درباره ممنوعیت افشای راز پیامبر (ص) است، ولی اختصاص به شخص پیامبر ندارد و شامل همه انسان‌ها می‌شود. بنابراین افشای اسرار بیماران که شامل فاش کردن اطلاعات پرونده پزشکی آنان و ورود به حریم خصوصی‌شان می‌شود، جایز نخواهد بود؛ به ویژه این که بدون هیچ توجیه شرعی و قانونی انجام شود (ص ۲۷۱). افزون بر استدلال به آیه حرمت کتمان سر و وجوب رازداری، مطابق آیه وجوب امانت‌داری نیز که شامل امور مادی و معنوی و رعایت عهد و پیمان و حفظ اسرار می‌شود، اسرار بیماران که از جمله امانات به شمار می‌آید، خیانت در امانت است که جایز نخواهد بود. بنابراین پزشک و کادر درمان بیمارستان‌ها که در واقع امانت‌دار بیماران هستند، حق ندارند اسرار بیماران را افشاء کنند و در صورت افشای اسرار آنها مرتکب خیانت در امانت شده و فعل حرام را انجام داده‌اند که مستوجب کیفر و عقاب هستند (ص ۲۸۱). بدیهی است که برخی از بیماری‌ها از نظر عرف جزء اسرار به حساب می‌آیند که باید از آنها

محافظت گردد، مانند ناباروری در زنان و مردان، بیماری‌های روحی و روانی، بیماری‌های پوستی و مقاربتی، بیماری‌های مهلک مثل انواع سرطان‌ها و هرگونه بیماری که شخص علاقمند به پنهان کردن آنها است (ص ۲۸۹-۲۹۲).

آیات نسب

نویسنده عنوان می‌کند، تقریب استدلال این است که در آیه ۲ سوره مجادله به‌طور مطلق، بلکه به صیغه حصر، کسی مادر فرزند به شمار می‌آید که حمل و زایمان می‌کند و رنج و مشقت بارداری آن را نیز تحمل و او را به دنیا می‌آورد. بر اساس این استدلال فرزندی که از انتقال جنین به دنیا می‌آید، به صاحب رحم منسوب می‌شود، زیرا او از صاحب رحم به دنیا آمده است (ص ۳۰۲ و ۳۰۸). همچنین از رهگذر این نوع استدلال، برخی از فقیهان معیار لحوق و عدم لحوق فرزند به زن را ولادت یا عدم ولادت دانسته و گفته‌اند: زن صاحب رحم، علت تامه به دنیا آوردن فرزند است، بنابراین طفل ملحق به صاحب رحم که او را متولد کرده می‌شود (ص ۳۰۸).

آیات جنین‌شناسی

به گفته نگارنده، در قرآن در موارد بسیاری به بیان چگونگی آفرینش انسان و مراحل رشد جنین پرداخته شده است که از مجموع آیات مطرح شده، به اختصار هفت مرحله مورد توجه قرار گرفته است که عبارتند از: مرحله نطفه، مرحله علقه، مرحله مضغه، مرحله پیدایش استخوان، مرحله پوشش گوشت بر بدن، مرحله دمیدن روح بر بدن جنین و مرحله تولد و حضور در دنیا که هرکدام از این مراحل دارای نکات شگفت‌انگیزی از دستگاه آفرینش است (ص ۲۷۲ و ۲۷۳). به باور او، یکی از مهم‌ترین حقوق جنین در فقه اسلامی، حق حیات او و نیز حق برخورداری از سلامت جسمانی است. از جمله احکامی که مؤید حق حیات جنین و بر آن تأکید می‌کند، این است که در صورت مرگ زن باردار و زنده بودن جنین، شکافتن شکم و بیرون آوردن جنین از رحم، واجب است. از این رو سقط جنین بدون جواز شرعی، ضرر زدن به سلامت جنین در حال رشد تلقی شده و جرم به حساب می‌آید که وجوب دیه را به دنبال خواهد داشت؛ البته وجوب دیه نیز افزون بر مؤید قبل، مؤیدی دیگر بر حق جنین به شمار می‌آید (ص ۳۴۵ و ۳۴۶).

آیات مرتبط به «خنثی»

به گزارش مولف برخی از علما ریشه مسئله تشبّه، اُبس و ازدواج با خنثی را به این سوال برگردانده‌اند که آیا خنثای مشکل، طبیعت ثالثه است یا واقعا مرد یا زن است؟ سید یزدی می‌گوید، انصاف قضیه این است که آیات قرآن خلقت انسان را منحصر در مرد و زن نکرده است؛ از این رو در دنیای علم امروز نیز گروهی خنثی را طبیعت ثالث می‌دانند و معتقدند که آنها انسانهایی هستند که هورمون‌های زنانگی و مردانگی‌شان باهم برابر است (ص ۳۶۱ و ۳۶۲). اما به عقیده بسیاری از فقها این نظریه صحیح نیست؛ زیرا از آیات مرتبط به بحث خنثی استفاده می‌شود که خنثی ماهیت سومی نیست، بنابراین یا مرد و یا زن است. از همین رو گروهی از اندیشمندان اسلامی گفته‌اند که همه موجودات عالم هستی، از دو صنف مذکر و مونث خارج نیست؛ چنانچه در حیوانات و نباتات نیز یا خنثی وجود ندارد و یا اگر باشد، طبیعت سوم تلقی نمی‌گردد. این آیات همچنین در مسئله تغییر جنسیت کاربرد دارد. (ص ۳۶۲ و ۳۶۳).